

www.sharghdaily.ir
پنجشنبه ۵ اسفند ۱۴۰۰ • ۲۲ رجب ۱۴۴۳ • ۲۴ فوریه ۲۰۲۲
سال نوزدهم • شماره ۴۲۲۹ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۱۳
اذان صبح فردا ۵:۱۶ • طلوع آفتاب ۶:۴۰

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا



خبر

فرهنگی نبود. ما برای این کار یک روز را کافی ندانستیم و هفته گرامیداشت نظامی را خواهیم داشت. از سوی دیگر این برنامه‌ها تا اردیبهشت ۱۴۰۱ امتداد خواهد یافت. امیرعبدالحسینی، دبیر ستاد بزرگداشت حکیم نظامی نیز گفت: از ۱۵ اسفند، در موزه و کتابخانه ملک، آثار تجسمی شامل نسخ خطی از قرن ۹ تا ۱۱ به نمایش درخواهد آمد، نمایش پوستر موضوعی، شامل ۳۰ پوستر از ۱۶ اسفندماه در همه مراکز وزارت فرهنگ در استان‌ها، رایزنی‌های فرهنگی در سراسر دنیا و با همکاری چند نهاد در اکسپوی

لزوم معرفی نظامی به‌عنوان یک شاعر ایرانی

بیست‌ویکم اسفند روز حکیم نظامی است و به همین مناسبت محمود شالویی، رئیس ستاد بزرگداشت حکیم نظامی، در نشست خبری با اشاره به اینکه کشورهایی درصدد تصاحب نام نظامی برآمده‌اند، به لزوم معرفی حکیم نظامی به‌عنوان یک شاعر ایرانی اشاره کرد. دبیر شورای اسداشت زبان فارسی، با اشاره به ۲۱ اسفند روز حکیم نظامی گفت: از زمانی که نام او در تقویم رسمی ثبت شده، فرصت برای پرداختن به این شخصیت بزرگ

کمپین

چوب لباسی

کمپین خرید لباس نوروژی و دارو دختران کم توان ذهنی

مركز خيريه نگهداري از دختران معلول ذهني

وحدت

حرفه‌آموزی و شایه روزی

شماره کارت بانک سپه
۵۳۸۹ ۲۱۶۷ ۱۰۱۱ ۵۸۹۲

پرداخت آنلاین در سایت
Charityvahdat.ir

پاسداران –انتهای بوستان دوم– خیابان شهید افشاری (ساقدوش)–کوچه وحدت–پلاک ۴ و ۱۱

یاد

در مرگ نویسنده‌ای که ناتمام ماند

قرار یعقوب یادعلی و بی‌قراری ادبیات

طبیعی زندگی عادی و حرفه‌ای دور کرد. مدتی پس از انتشار رمان «آداب بی‌قراری»، یعقوب یادعلی در اسفند ۱۳۸۴ بازداشت شد و دو ماه در زندان بود. توهین به قوم لر از اتهامات یادعلی بود و شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی یاسوج در کیفرخواست این نویسنده او را به «توهین به یکی از اقوام ایرانی، افترا و نشر اکاذیب» متهم کرد و دست آخر بعد از رفت‌وبرگشت‌های بسیار پرونده در شعبات و محاکم، تیرماه ۱۳۹۱ یادعلی خبر داد که با مساعدت ریاست وقت قوه قضائیه و استفاده از تبصره قانونی ماده ۱۸، دادگاه تجدیدنظر حکم به تبرئه او و همه اتهامات داده است و گفت بالاخره کمی آرامش ذهنی پیدا کرده و توانسته کار کند.

به‌این‌ترتیب یادعلی بعد از یک دهه غیبت ناگزیر از فضای ادبیات، مجموعه داستان «متغیر منصور» و رمان‌های «آداب دنیا» و «آمزشش زمینی» را منتشر کرد که رمان اخیرش در زندان می‌گذرد و روایت نویسنده‌ای است که ماجراهایی ناخواسته او را به زندان می‌کشاند. با اینکه داستان خودبسنده یادعلی نعل به نعل با تجربه خودش همخوان نیست، پیداست که تجربه او از فضای زندان با داستان این رمان تنیده شده و انتخاب این مضمون بعد از آن روزگار با آنچه بر او رفته، چندان بی‌نسبت نبوده است. به هر ترتیب، اجل به یادعلی مهلت نداد تا رمان‌های دیگری را که در دست داشت، ازجمله رمان «زندگی به روایت بونولیس‌ت‌ها» را که با بازداشتش «ناتمام ماند و هیچ‌وقت هم تمام نشد»، به آخر برساند.

ششش داستان به چاپ رساند که جایزه ادبی نویسندگان و منتقدان مطبوعات را از آن خود کرد. یادعلی سال ۱۳۸۱ مهم‌ترین رمانش «آداب بی‌قراری» را منتشر کرد، رمان منتخب جایزه ادبی هوشنگ گلشیری که در دهه هشتاد رویدادی ادبی به شمار می‌آمد، اما ماجرا به برآمدن یک نویسنده کاربلد و صاحب‌سبک و شور و شوق جامعه ادبی ختم نشد و شاهکار این نویسنده، ماجراهای دیگری به دنبال داشت که محل کار نویسندگی یادعلی هم شد.

حدود دو سال بعد از انتشار «آداب بی‌قراری»، یعقوب یادعلی گرفتار آن پرونده قضائی و حاشیه‌های ناخواسته و عجیبش شد که به روایت خودش تا ششش یا هفت سال بعد، او را از روال و فرهنگ شوکه‌آور است.

چالش‌های قرن

برجام؛ روح جمعی یک ملت

محمود ملکی

اگرچه برجام را یک توافق سیاسی بین ایران و کشورهای موسوم به ۵+۱ می‌نامیم که در سال ۱۳۹۵ به دست آمد، اما حقیقت این است که این توافق، روح جمعی یک ملت برای زنده‌شدن، دیده‌شدن، حرکت و آغاز دوره جدیدی از تاریخ معاصر ایران‌زمین بود.

سال‌های پیش از برجام، به‌ویژه سال‌های پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، سال‌های تحریم است و تحریم، سال‌هایی است که نوعی رخوت عمومی در جامعه رسوب کرده و تصور بر آن بود که رسوب این رخوت، سال‌های سال به طول بینجامد. در چنین فضایی دولتی در ایران توسط مردم انتخاب می‌شود که مهم‌ترین نمادش، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه است. فردی که بسیاری قیای دبیرکلی سازمان ملل متحد را برای وی اندازه کرده بودند. برجام و ظریف در این سال‌ها هم‌زاد هم شده‌اند.

مذاکرات برجام، شاید تنها میعادگاهی در تاریخ معاصر ایران است که وزیر خارجه ایران، دوشادوش وزرای خارجه پنج کشور عضو دائم شورای امنیت و آلمان، می‌نشیند و مذاکره می‌کند. ملت ما هنوز که هنوز است، تصویر سران متفقین را در اجلاس تهران فراموش نکرده است؛ آنجا که چرچیل، استالین و روزولت نشستند، گفتند و برخاستند بدون اینکه پادشاه و وزیر ایرانی حتی در جریان گفت‌وگوهای آنان قرار بگیرند.

مهم نیست فرجام چه شد و بر برجام چه‌ها رفت و چه‌ها خواهد رفت، مهم این است که برجام و مذاکرات و گفت‌وگوهای آن فرصتی شد تا محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، فریادهای این مردم را که سال‌ها در گلو مانده بود، به گوش جهانیان برساند. صدای ظریف و هر گفت‌وگوی او گویا صدای ملتی بود که هزاران حرف کم‌گفته در تاریخ به امانت گذاشته بود.

برخلاف مخالفان داخلی برجام که دستاوردهای اقتصادی آن را تقریباً هیچ می‌دانستند، اصولاً توافقی اقتصادی نبود، بلکه یک توافق سیاسی و امنیتی بود؛ توافقی بود برای امنیت‌زدایی از برنامه هسته‌ای ایران و البته در نگاه کلان‌تر امنیت‌زدایی از سیاست خارجی ایران. هرچند دستاوردهای اقتصادی آن هم در زمین رفیع تحریم‌ها، مقدمه هر حرکتی برای توسعه کشور در سال‌های پیش‌رو است. برجام هم در زمینه امنیت‌زدایی از سیاست خارجی ایران با زودن چهار قطع‌نامه شورای امنیت، کارنامه درخشانی دارد و همه در زمینه تثبیت فعالیت‌های امنیت‌زای جمهوری اسلامی از جمله غنی‌سازی اورانیوم در ایران به موجب قطع‌نامه شورای امنیت و همچنین تثبیت آزمایش‌های موشکی ایران به موجب همان قطع‌نامه.

برجام همچنین از زمره توافقاتی است که نتایج آن ازجمله موارد نادر در بحث‌های امنیتی در روابط بین‌الملل و شورای امنیت سازمان ملل متحد است. شاید ایران تنها کشور درحال‌توسعه‌ای است که حق بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم و حتی توسعه برنامه هسته‌ای خود را از شورای امنیت ملل متحد دریافت کرده است. حذف چهار قطع‌نامه شورای امنیت ملل متحد که حداقل یکی از این قطع‌نامه‌ها، قطع‌نامه فصل هفتمی است، به موجب برجام اتفاق افتاده است؛ اتفاقی که پیش از این نیتفاده و بعید است پس از این در مورد کشور دیگری نیز ببینند. از یاد نبریم این اتفاق در گذشته در مورد کشورهایی است که با حکومت آن کشور ساقط شده یا با حمله خارجی از بین رفته یا به صورت کامل خود را تسلیم کرده است. جالب است که شاهد هم از غیب رسیدا بامداد چهارشنبه چهارم بهمن ۱۴۰۰، در حین نگارش این یادداشت، فؤاد حسین، وزیر خارجه عراق اعلام کرد ۱۹ سال پس از اسقاط حکومت صدام، از ذیل قطع‌نامه فصل هفتم شورای امنیت خارج شد!

برجام بر اساس هدفی که برای آن بنیان نهاده شده، توافق بسیار موقفی است که حتی مخالفان هم آن را امن‌ترین مسیر برای امنیت‌زدایی از سیاست خارجی ایران و ابزاری برای تثبیت بین‌المللی فعالیت‌های هسته‌ای و دفاعی ایران می‌دانند، حتی اگر به صورت آشکار به آن اعتراف و اذعان نکنند؛ اما کیست که آن را یکی از مهم‌ترین اتفاقات سیاست خارجی در تاریخ معاصر ایران نداند. تاریخ درباره برجام، حرف‌هایی شنیدنی خواهد داشت!

چالش‌های قرن

خیلی دور، خیلی نزدیک

مهدی مظهرنیا

ورود آمریکایی‌ها به ایران در بافت متن رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر جغرافیای ایران صورت پذیرفت. بر اساس این معنا می‌توان گفت ایران در این بافت موقعیتی ناشی از رودرویی و تزامم قدرت‌های بزرگ با یکدیگر به دنبال نیروی سومی جهت گریز و گزیر از وضعیت موجود برآمد. ایالات متحده آمریکا با حرکت‌های آگاهانه و هوشمندانه خود با ورود به اریکه ذهنی و فکری در زمانه‌ای این‌چنین پراضطکاک میان ایران و پایتخت کشورهایی مانند انگلستان و روسیه شوروی تلاش کرد تا زمین بازی را تغییر دهد. فراموش نکنیم که پتر بزرگ در وصیت‌نامه‌اش سوادای رسیدن به ای‌های آزاد از مسیر ایران را داشت. آمریکایی‌ها در دهه ۱۸۲۰ وارد ایران شدند و اسامی‌ای همچون پدر دواپت و پدر اسمیت نشانی از ورود آنهاست؛ چراکه حرکت در مسیر گسترش آیین مسیحیت یکی از محورهای ورود آنها به ایران بود. همچنین آنها علاقه‌مند بودند در اموری همچون توده‌های مردم و نزدیکی به جامعه ملی ایرانیان نیز دخالت داشته باشند.

از دهه ۱۸۸۰ به بعد با رودبدل‌کردن سفرهایی چون بنجامین و حاجی‌واشنگتن از سوی ایران و آمریکا، ارتباط ایران با کشوری که در میان مردم به پتنگه دنیا مشهور بود، گسترش پیدا کرد. در قرن بیستم حرکت متحدین و متفقین و پل پیروزی قرارگرفتن تهران در جنگ میان قدرت‌های بزرگ با ورود آمریکا به صحنه سیاست همراه بود. آمریکایی‌ها بر اساس دکترین تحدید نفوذ و دکترین آزادسازی پس از جنگ جهانی دوم این‌بار قوی‌تر از گذشته در عرصه بین‌الملل ظاهر شدند و از قضا این حضورشان به نفع ایران عمل کرد. در واقع روابط ایران و آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم یک رابطه برد– برد برای هر دو کشور بود. اصول ترومن و اولتیماتوم آیزنهاور قبل از آن در برابر قدرت‌های بزرگ از تهران حمایت می‌کرد. حتی در بندهای چهارگانه ترومن هم به محدودکردن نفوذ بریتانیا در تهران اشاره می‌شود. همچنین به مانع‌شدن نفوذ روسیه شوروی در تهران هم اشاره شده است. برای همین است که می‌بینیم در کودتای ۲۸ مرداد «هاوس» عامل امنیتی انگلیسی‌ها به دیدار جان بروس لکهپارت رفت تا عامل امنیتی آمریکا را برای کودتای ۲۵ مرداد که بعدها به کودتای ۲۸ مرداد تبدیل شد، دعوت کند. بعدها با کمک روزولت عملیات آژاکس طراحی و در تهران اجرا شد. اگرچه انگلیسی‌ها چهره پررنگ‌تری در کودتا بودند اما راه را برای حضور پررنگ‌تر سیاسی آمریکا در ایران باز کردند. این حضور تا زمان انقلاب به‌شدت پررنگ بود. حتی بر اساس اسناد و مدارک قابل راستی‌آزمایی، آنها در زمان وقوع انقلاب هم کار شاه را تمام‌شده می‌دانستند و برای همین رویکردی موافق با تغییر رژیم در تهران را دنبال می‌کردند؛ درحالی‌که در پاریس یا لندن چندان با آمریکا همراه نبودند. اما بعد از انقلاب در فرایند تسخیر سفارت آمریکا در تهران که بعدها به لانه جاسوسی مشهور شد، روابط ایران و آمریکا وارد مرحله دیگری شد. آیت‌الله خمینی در یک موضع‌گیری ناشی از انجام این اقدام آن را انقلاب دوم خواندند. به این ترتیب ادبیات گفتمانی جمهوری اسلامی درست در مسیر خلاف جهت آمریکا قرار گرفت. ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین نماد امپریالیستی شناخته شد و هنوز هم این دیدگاه بعد از حدود چهار دهه سیطره خود را در جامعه جاری کرده است.

چنین گفتمانی به عنوان یک ماهیت و واقعیت هویتی موجب می‌شود هم‌اکنون در مذاکرات وین دولت نتواند مستقیماً با آمریکا وارد مذاکره شود. برای همین می‌توان گفت این مسیر و خط سیر درباره ایالات متحده آمریکا فراز و نشیب‌های گوناگونی را دنبال کرده است. هم‌اکنون مسئله آمریکا مهم‌ترین مسئله در قاموس ادبیات سیاسی ایران در سده اخیر محسوب می‌شود. به گونه‌ای که اکنون بزرگ‌ترین نماد قدرت ایران شعار «مرگ بر آمریکا» و ایستادن در برابر ابرقدرتی محسوب می‌شود که در سده گذشته بر دوسوم جهان سیطره خود را به صورت عملی گسترده است.